

سن شروع مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران با نگرشی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

منوچهر میردریگوندی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

چکیده

قانون مجازات اسلامی پیشین بنا به ماده ۴۹ اطفال به طور کلی مبرا از مسئولیت کیفری بودند و برای تربیت آنان تنبیه بدنی مصلحت‌آمیز تجویز شده ولی در قانون مجازات اسلامی جدید دوره کودکی و نوجوانی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. این چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی است. بنا به نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه ملاک سن مرتکب در این خصوص مسئولیت و عدم مسئولیت وی زمان وقوع جرم است نه زمان رسیدگی به آن همچنین قانون گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ برای اشخاصی که بالغ زیر ۱۸ سال هستند و مرتکب یکی از جرایم حدود یا قصاص میشوند استثنائی قائل گردیده بدین معنا شخصی که به سن مسولیت کیفری رسیده (دردختران ۹ سال تمام شمسی و در شود مرتکب بالغ زیر ۱۸ سال در لحظه ارتکاب جرم ماهیت عمل ارتكابی را درک نمیکرده ایشان را طبق قوانین مندرج در باب حدود و قصاص البته بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مجازات میکنند و در غیر اینصورت طبق مواد پسران ۱۵ سال تمام شمسی) در صورتیکه مرتکب حد یا قصاص گردند علاوه بر اینکه سن مسولیت کیفری ایشان بررسی میشود به دستور قانونگذار باید بلوغ کیفری (رشد و کمال عقلی) آن‌ها نیز احراز گردد و در صورتیکه مشخص شود مرتکب بالغ زیر ۱۸ سال در لحظه ارتکاب جرم ماهیت عمل ارتكابی را درک نمیکرده ایشان را طبق قوانین مندرج در باب حدود و قصاص البته بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مجازات میکنند و در غیر اینصورت طبق مواد مندرج در فصل دهم قانون مجازات اسلامی (مواد ۸۸ و ۸۹ حسب مورد) مجازات میشوند. همچنین در خصوص اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال که مرتکب یک جرم قابل تعزیر میشوند نیز اگر سن آن‌ها بین ۹ تا ۱۵ سال باشد طبق بندهای ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی و اگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشند طبق بندهای ماده ۸۹ حسب مورد مجازات میشوند لذا در رساله حاضر بررسی ما معطوف به مسولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار بالغ زیر ۱۸ سال است و همچنین بررسی شرط تحقق مسولیت کیفری اطفال که به سن بلوغ شرعی رسیده اند و شرایط احراز رشد آن‌ها در امور کیفری است.

واژه‌های کلیدی: سن شروع، مسئولیت کیفری، حقوق کیفری ایران، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فقه

مقدمه

مسئولیت کیفری اطفال در تمام دنیا تقریباً از لحاظ سنی به ویژه سن مسئولیت مطلق کیفری، یک حد مشخص و مشابه دارد. مطابق کنوانسیون حقوق کودک سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال است. بررسی های پزشکی و روانشناسی نیز تأیید کرده اند که اطفال از سن ۱۷ تا ۱۹ سالگی به تعادل جسمی و عقلی می رسند و بر همین اساس سن مسئولیت کیفری این چنین تعیین شده است. در معاهده حقوق کودک، سن طفل، زیر ۱۸ سال تعیین شده؛ ولی چون منوط به حقوق داخلی کشورها در این زمینه شده است، برای تعیین ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه تحمل مجازات و مسئولیت کیفری برای افراد، قبل از هر چیز باید تعیین نماییم که چه ویژگی و خصوصیتی در انسان پدیدار می شود که به عنوان فردی بالغ، قابل بازخواست و ملزم به پاسخ گویی می گردد اما در صورت ارتکاب اعمال خلاف قوانین و مقررات، از یک سو مستوجب تحمل مجازات بوده و از سوی دیگر می توان با توجه به شرایط موجود در وی به طور معقول و متعارف انتظار داشت که اعمال مجازات در وی تأثیر گذار بوده و منجر به اصلاح فرد خواهد شد (شایگان فرد، ۱۳۹۲، ص ۱؛ صفاری، ۱۳۹۲، ص ۱)

و با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی، بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی، سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری برای اطفال شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران می باشد که مبنای آن نیز حد بلوغ شرعی براساس نظر مشهور فقهای امامیه است.

همچنین روندهای چند دهه اخیر تحولات حقوق کودکان و دادگاه های اطفال در عرصه بین المللی، توجه به مسئله سن و معیار قرار دادن سن در مجازات افراد و کودکان، موضوعی مهم و یک روند مورد تأکید حقوقی در سیستم های سیاسی - حقوقی مختلف بوده است. روند بین المللی در حال ظهور در این زمینه، حکایت از لزوم توجه بیشتر به افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و توجه به کیفیت دادگاه های ویژه اطفال (بین ۱۳ تا ۱۸ سال) و تعیین ۱۸ سالگی به عنوان سن بزرگسالی دارد روحانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹۱)

یکی از ایراداتی که همواره منادیان حقوق بشر و حقوق کودکان به قوانین ایران می گرفته اند مسئولیت کیفری بوده که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اصلاحاتی در این زمینه صورت گرفته است قانون مذکور ضمن آنکه همچون گذشته سن مسئولیت کیفری را برای دختران ۹ سال تمام قمری قرار داده، تلاش کرده، با تفکیک مسئولیت کیفری اطفال در حدود و قصاص و تعزیرات تا حدودی مشکلات را کاهش دهد. بدین جهت در این قانون نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری پذیرفته شده است. یعنی در حالی که در جرائم تعزیری سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرائم حدود و قصاص، سن ۹ و ۱۵ سال قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت را برای دختران ۹ سال قمری به بالا قائل است؛ بنابراین تغییر مهمی که در این قانون روی داده، این است که با تصویب این قانون، چنانچه در کمال عقل و رشد افراد زیر ۱۸ سال شبهه ای ایجاد شود، حدود و قصاص برای آنها اجرا نمی شود، همچنین بر اساس این مصوبه، مجازات های تعزیری برای افراد زیر ۱۸ سال با افراد بالای ۱۸ سال متفاوت خواهد بود. همچنین دیگر افراد زیر ۱۸ سال به زندان محکوم نشده و به مراکز تربیتی همچون کانون اصلاح و تربیت منتقل می شوند. پس بر اساس قانون مجازات جدید قانونگذار تلاش کرده با ملاک قرار دادن رشد عقلی علاوه بر میزان سن، راهکاری عملی در اختیار دادگاه و قاضی قرار دهد تا برای کودکان از صدور مجازات های جدی چون قصاص خودداری کند

باید اذعان نمود که در سیاست جنایی ایران، هیچ ساز و کاری برای حمایت از کودکان و نوجوانان، پیش بینی نشده است؛ چرا که بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و اجتماعی ایران و صرفاً با توجه به اینکه قوانین جزایی از فقه اقتباس شده است؛ سن مسؤلیت کیفری، سن بلوغ در نظر گرفته شده است. قانونگذار ایران به جای تعیین سن رشد کیفری، فقط به سن بلوغ اکتفاء کرده است. در نتیجه رسیدن به بلوغ، به منزله رسیدن به رشد کیفری نیست و بایستی، سن مشخصی برای رشد کیفری تعیین و معین گردد؛ تا کودکان بی گناهی که از لحاظ قانونی به سن بلوغ رسیده، ولی از رشد کیفری برخوردار نیستند؛ بی جهت مورد تعقیب و عفویت قرار نگیرند

لذا راه حل محقق این است که تعیین سن مشخصی در قانون برای روشن ساختن تکلیف قضات ضروری است، شایسته است این سن از ۹ و ۱۵ سال به ۱۸ سال هم در دختران و هم در پسران ارتقاء پیدا کند. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز افراد زیر ۱۸ سال را کودک محسوب کرده و مطابق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ماه سال ۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک، ایران نیز می تواند از مفاد این کنوانسیون استفاده کرده و همین سن را در قوانین داخلی ملاک قرار دهد. نهایتاً اگر سن ۱۸ سال از نظر قانونگذار آمارهای رشد محسوب گردد، فرد قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال هم می تواند به دادگاه مراجعه کرده و حکم رشد برای خود بگیرد. ضمن اینکه قضات هم در صورتی که رشد و کمال عقلانی و جسمانی را در فرد محرز دیدند ولو اینکه وی به سن ۱۸ سال نرسیده باشد می توانند او را واجد مسؤلیت کیفری و در نتیجه محکوم به مجازات شناسایی کنند. به بیانی دیگر می توان به دلیل رشید شدن فرد در سن ۱۸ سالگی سن مسؤلیت کیفری را در قوانین کیفری ۱۸ سال تمام دانست مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. لذا با وجود عبارت دوم امکان مجازات افراد بین ۹ تا ۱۸ سال (در دختران) و ۱۵ تا ۱۸ سال (در پسران) که رشد آنها با تشخیص نظر کارشناس و پزشکی قانونی ثابت شده است فراهم می گردد و امکان گریز از چنگال قانون برای این افراد به وجود نمی آید.

مسأله اساسی تحقیق این است که سن مسؤلیت کیفری در قانون مذکور بر چه مبنایی استوار است و ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه (شروع) تحمل مجازات و مسؤلیت کیفری برای افراد چیست؟ آیا سن بلوغ با سن مسؤلیت کیفری یکی است؟ با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی، بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی، سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسؤلیت کیفری برای اطفال تعیین شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران است. با توجه به این پیش فرض، فرضیه اصلی که این مقاله در مقام اثبات آن می باشد این نکته است تعیین سن خاص برای بلوغ یا رشد به عنوان مبنای آغاز مسؤلیت کیفری، قابل دفاع نیست. سن بلوغ با سن مسؤلیت کیفری یکی نیست و برای تعیین سن مسؤلیت کیفری بایستی بلوغ اجتماعی (بلوغ کیفری) مد نظر قرار گیرد که در صورت عدم تفکیک این دو باعث می شود که اطفال به یکباره از عدم مسؤلیت مطلق به عرصه ی مسؤلیت کیفری کامل گام بردارند. خوشبختانه قانون گذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تغییرات مهمی در این زمینه نمود. نخست در جرایم تعزیری، بین حداقل سن مسؤلیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد. در این نوشتار ضمن تبیین قواعد مسؤلیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مذکور، به نقد آنها با رویکردی تطبیقی پرداخته خواهد شد.

گفتار اول: سن شروع مسئولیت کیفری در قوانین ایران

اگر مسئله سن مسئولیت کیفری اطفال را به عنوان یکی از موضوعات راجع به حقوق اطفال معارض با قانون نام ببریم سخنی به گزاف نگفته ایم چرا که با تعیین این محدوده ی سنی کلیه افراد مشمول آنرا واجد مسئولیت و به تبع آن مستحق مجازات می شناسیم (میرمحمد صادقی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱)

در سیاست جنایی ایران، هیچ سازو کاری برای حمایت از کودکان و نوجوانان، پیش بینی نشده است، چرا که بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و اجتماعی ایران و صرفا با توجه به این که قوانین جزایی از فقه اقتباس شده است؛ سن مسئولیت کیفری سن بلوغ در نظر گرفته شده است (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲)

مسئله سن مسئولیت کیفری از آنجا که مشخص کننده ی جمعیت مشمول مقررات کیفری و در نتیجه تحمیل بار مجازات بر افراد می شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و در بیست سال اخیر توجهات زیادی نسبت به این موضوع صورت گرفته است به گونه ای که تعیین سن مناسب برای مسئولیت کیفری به یکی از مشغله های مهم برای علاقه مندان به حوزه ی بزهکاری اطفال تبدیل شده است.

دانشمندان در بررسی های خود به این نتیجه رسیده اند که ارتکاب جرم از ناحیه اطفال وابسته به علل فراوانی می باشد. این عوامل مربوط به عوامل بزه زای داخلی یا بزه زای خارجی هستند. عوامل بزه زای داخلی از ساختمان جسمی و روانی اطفال ناشی می شود، مثل عوامل مادر زادی، عوامل ناشی از وراثت و عوامل متعدد روانی که در پیدایش بزهکاری اطفال و انحرافات آنان موثرند. بنابراین در رسیدگی به جرائم اطفال نباید از عللی که موجب پیدایش بزه گردیده صرف نظر کنیم. بهترین راه مبارزه با اطفال بزهکار، تعیین عکس العمل مناسب با توجه به شخصیت واقعی طفل بزهکار می باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۴۴)

در این خصوص برای تعیین یک عکس العمل مناسب اولین قدم، تعیین یک مقطع زمانی در فرآیند رشد افراد است که از آن زمان به بعد می توان وی را واجد قوه ی تمییز و ادراک، عنصر روانی و در نتیجه عمد در ارتکاب عمل دانست که به تبع آن قابلیت مجازات وی هم محرز می گردد. به دلیل عدم قوه ی تمییز در کودکان، ارکان تشکیل دهنده ی مسئولیت کیفری (تمییز، رشد، عقل و بلوغ) در آنها به طور کامل تحقق نمی یابد و این چیزی است که در عصر حاضر در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد. آنچه که در قوانین کشورهای مختلف موجب اختلاف شده، تعیین سنی است که به اعتقاد قانونگذار در آن ادراک و تمییز حاصل می شود.

همانطور که در مطالب قبل مهمترین هنجارها و توصیه های بین المللی در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه تلاش خواهد شد مطالبی در خصوص سن شروع مسئولیت کیفری در قوانین مصوب پیش و پس از انقلاب ارائه شود به خصوص تغییرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در قیاس با قوانین سابق مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود که نارسایی های نظام پیشین مسئولیت کیفری تا چه اندازه در قانون جدید مرتفع شده است.

گفتار دوم: سن مسئولیت کیفری در قوانین قبل از انقلاب اسلامی

در این قسمت تلاش شده است که وضعیت سن مسئولیت کیفری در مقررات و قوانین قبل از انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بند اول: قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۳۵ق

قانون جزای عرفی مصوب ۵ جمادی الاول ۱۳۳۵، اولین قانونی است که در باب مسئولیت کیفری به وجود آمد، اجرای موقت این قانون که به پیشنهاد نصرت الدوله وزیر عدلیه آن زمان بود توسط هیئت وزیران تصویب گردید اما عملاً به مرحله اجرا در نیامد.

در ماده ۶۶ از این قانون آمده است: «در صورتیکه شخص مرتکب غیربالغ و غیرممیز باشد از مجازاتی که برای مرتکب بالغ ممیز مقرر است معاف خواهد بود ولی باید برحسب اوضاع و احوال او را با قید التزام به اولیای او تسلیم نمود یا به حکم محکمه به تربیت خانه فرستاد که در آنجا محفوظ و به تربیت مقرر تربیت شود و نهایت مدتی که برای این توقیف مقرر می شود حد بلوغ است» همانگونه که مشاهده می کنید بلوغ و تمییز، سن شروع مسئولیت کیفری در این ماده می باشد یعنی شخصی که دو مقوله بلوغ و تمییز را دارا باشد دارای مسئولیت کیفری است، و با توجه به این که قانونگذار، سنی را برای بلوغ و تمییز در نظر نگرفته بود، در نتیجه تشخیص آن با دادگاه بوده که بالتبع، با استفاده از پزشک و اهل خبره، بلوغ و تمییز معین می گردید و با این ترتیب، سن مسئولیت کیفری برای هر مرتکب، متفاوت می بود (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸) به عبارت دیگر سن مسئولیت کیفری در این قانون با ملاک شخصی بود.

ماده ۶۷ این قانون نیز در خصوص مرتکبین ممیز غیربالغ چنین می گوید: «اشخاص ممیز غیربالغ که مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها حبس تادیبی از یکسال و نیم تا پنج سال است و هرگاه مرتکب جنحه شوند مجازات ایشان زیاده از نصف مجازات اشخاص بالغ که مرتکب همان جنحه گردند نخواهد بود»

در ماده ۶۸ در خصوص مرتکبین غیربالغ چنین آمده است: «اشخاص غیربالغ هرگاه مرتکب جرمی شوند اگرچه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه می شوند مگر اینکه شخص بالغی شریک یا معاون ایشان بوده باشد که در این صورت هر دو در محکمه جنایی محاکمه خواهند شد»

هرچند قانون جزای عرفی به واسطه عدم پیش بینی دادگاه اطفال و کانون اصلاح و تربیت، دارای نواقصی بود. ولی با توجه به وضع زمانی مقررات فوق الذکر، و عدم تعیین سن برای مسئولیت کیفری و احراز بلوغ و تمییز به عنوان ملاک تشخیص مسئولیت، در خور توجه می باشد.

بند دوم: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ش

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ دومین قانونی است که در باب مسئولیت کیفری وجود دارد، این قانون که براساس تحولات کیفری موجود در جوامع غربی آن زمان وضع گردید در نوع خود از قوانین در خور توجه به حساب می آید. قانون مجازات عمومی مذکور، برگرفته از مکتب کلاسیک و همچنین از قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه (ناپلئون) اقتباس شده بود که با احتیاجات روز و افکار عمومی و عقاید علمی وفق نمی کرد. قانون گذار در باب مسئولیت کیفری مقررات خویش را در فصل هشتم در شرایط و موانع مجازات بیان نموده است (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷)

در این قانون حدود مسئولین کیفری اشخاص از لحاظ مقطع سنی به دوره های ممیز، غیرممیز، ممیز بالغ و کمتر از ۱۵ سال و بالغ ۱۵ سال تا ۱۸ سال تقسیم بندی شده ی هرکدام احکام خاصی داشتند تا سن ۱۸ سال تمام که مسئولیت کامل جزایی منوط بر آن بود (روحانی، مهرپور، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰)

مرحله اجرای قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ (مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶) قانون گذار در صدر ماده ۳۶، سن بلوغ را بدون اینکه فرقی بین اناث و ذکور قائل شود، در رسیدن به ۱۵ سالگی تمام دانسته بود. در مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶ برای ۳ دسته از افراد دارای گروه سنی خاص (کمتر از ۱۲ سال، اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام و اشخاص بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام) تعیین تکلیف شده اند.

الف) اطفال غیرممیز غیربالغ: اطفال زیر ۱۲ سال مطابق ماده ۳۶ فاقد قوه تمیز فرض شده اند. قسمت اول ماده ۳۴ صغار کمتر از ۱۲ سال تمام را معاف از مسئولیت و محکومیت جزایی اعلام داشته و مقرر کرده بود چنان که این دسته از کودکان مرتکب جرمی شوند باید از الزام به تادیب، تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به اولیای قانونی خود تسلیم شوند.

ب) اطفال ممیز غیربالغ: مطابق ماده ۳۵، اطفال ممیز غیربالغ که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند، مسئول محسوب شده و در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت فقط به ۱۰ الی ۱۵ ضربه شلاق محکوم می شوند پس شرط مسئولیت، رسیدن به سن بلوغ نیست؛ بلکه داشتن قوه ی تمیز است. ماده ۳ برای اطفال ۱۲ تا ۱۵ ساله که مرتکب جرایم خلاف شده اند مسئولیتی پیش بینی نموده است.

ج) اشخاص بالغ ۱۵ تا ۱۸ سال تمام: این گروه دارای مسئولیت کامل جزایی هستند ولی مجازات آنها با تخفیف انجام می گیرد. اشخاص مذکور در این بند هرگاه مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها حبس در دار الاتادیب به مدت حداکثر ۵ سال است و اگر مرتکب جنحه شوند مجازات ایشان کمتر از نصف حداقل و زیادتر از نصف حد اعلاای مجازات مرتکب همان جنحه خواهد بود. این ماده نیز همچون ماده ی ۳۵ در مورد جرایم خلافی اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال ساکت است (نوربها و اصغرزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱)

بند سوم: قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدار

سومین قانونی که در باب سن مسئولیت کیفری وجود دارد، قانون مربوط به دادگاه های اطفال در سال ۱۳۳۸ است. البته این قانون تا سال ۱۳۴۵ اجرایی نشد و تنها در تاریخ ۱۳۴۵/۰۸/۲۶ نخستین دادگاه اطفال در تهران تاسیس شد و تا سال ۱۳۵۶ دو شعبه در تهران به فعالیت خود ادامه دادند (نوربها، ۱۳۸۳، ص ۸۶)

با تصویب این قانون اوضاع تا حدی متغیر شد، به این صورت که ماده ۴ این قانون بیان می دارد: «به کلیه جرایم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام است طبق این قانون در دادگاه اطفال رسیدگی می شود»

ملاحظه می شود که آنچه مد نظر قانون گذار بوده تقلیل سن مسئولیت کیفری تا ۶ سال تمام است (۶ سال کمتر از قانون ۱۳۰۴) و علاوه بر آن طبقه بندی های ملحوظ در قانون ۱۳۰۴ نیز مورد توجه قانون گذار کیفری در سال ۱۳۳۸ نبوده است. مطابق این قانون:

- اطفال تا ۶ سال تمام قابل تعقیب جزایی نخواهند بود.

- اطفال ۶ تا ۱۲ سال تمام در صورت ارتکاب جرم با اخذ تعهد به اولیا یا سرپرست یا اخذ تعهد به اولیا یا سرپرست تحویل داده می شوند و اگر این افراد فاقد صلاحیت باشند برای مدت ۱ تا ۶ ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام می شوند. (ماده ۱۷)

-اطفال ۱۲ تا ۱۵ سال معمول مقرراتی همچون تسلیم به اولیا یا سرپرست یا اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت از حسن اخلاق طفل، سرزنش و نصیحت از سوی قاضی، اعزام به کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال می شوند (ماده ۱۸) -اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال نیز مشمول مجازات هایی قرار می گرفتند که البته در مقایسه با اطفال ۱۲ تا ۱۵ سال شدیدتر بود. بعنوان مثال اگر بزه ارتكابی جنایت می بود، فرد دارای مسئولیت کیفری شناخته می شد و در معرض مجازات خاص تعدیل شده برای جرم قرار می گرفت. (میرمحمد صادقی، محمدی، ۱۳۹۲، ص ۴) در واقع می توان گفت اگر تربیت و اعزام به کانون را تدبیر اصلاحی و باز پروری تلقی کنیم، اطفال در نظام جزایی سابق ما تا ۱۸ سال فاقد سابقه مسئولیت کیفری بودند و جز در مورد جنایت آن هم با مجازات تعدیل یافته- قابل مجازات کیفری نبودند. به نظر می رسد که در مقام مقایسه، حتی با قوانین بسیاری از کشورها، قانون مذکور پیشرفته تر و دارای امتیازات مثبت فراوانی برای اطفال بوده است.

بند چهارم: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ چهارمین قانونی است که در باب مسئولیت کیفری وجود دارد؛ این قانون با توجه به آموزه های جرم شناسی، تحولاتی را در وضع قوانین سابق ایجاد نمود. قانونگذار حدود مسئولیت کیفری اطفال را در فصل هشتم از مواد ۳۳ تا ۳۵ بیان می نماید. (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸) قانون گذار با تصویب این قانون ایرادهای قانون قبل را تا حدی برطرف و بدون مشخص نمودن معیار تفکیک صغیر ممیز و صغیر غیرممیز مجدداً اعلام نمود که منظور از طفل، افراد زیر ۱۸ سال تمام می باشد و تنها همان معیار سنی برای حداقل سن مسئولیت کیفری مد نظر قرار گرفت. (میرمحمد صادقی، محمدی، ۱۳۹۲، ص ۴)

مهمترین موضوعی که قانونگذار بدان توجه می نماید، تشکیل دادگاه اطفال بزهکار و کانون اصلاح و تربیت می باشد. قانونگذار همانند قانون سال ۱۳۰۴ برای افراد زیر ۱۲ سال تمام هیچ گونه مسئولیت کیفری در نظر نمی گیرد. نسبت به اطفال بیش از ۱۲ و تا ۱۸ سال تمام، مسئولیت نسبی در نظر می گیرد که حسب مورد وبا توجه به نوع رفتار طفل و عمل ارتكابی از تسلیم به اولیاء و سرپرستان قانونی طفل شروع و تا حبس در دارالتادیب به سر می بردند و از خود حسن رفتار نشان می دادند، اجازه تجدیدنظر در حکم صادره قبلی را می داد. همچنین در هر مورد که سن متهم یا مجنی علیه در تصمیمات و آراء مراجع جزایی موثر می بود، هرگاه سن واقعی شخص معلوم نبود، مرجع قضایی با کسب نظر از کارشناس قدر متیقین سن او را تعیین می کرد.

گفتار سوم: سن مسئولیت کیفری در قوانین بعد از انقلاب اسلامی

سیاست جنایی قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، در خصوص تعیین سن مسئولیت کیفری با توجه به گذشت بیش از سه دهه از انقلاب، یکی از مسائل بسیار مهم و دغدغه های چالش برانگیز در نظام کیفری محسوب گشته و اطفال و نوجوانان را که موضوع بحث مقررات مربوطه می باشد را درگیر خود نموده است. وضع مقررات راجع به سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در بعد از انقلاب، بدون در نظر گرفتن مقررات عرفی قبل از انقلاب و اسناد بین المللی صورت پذیرفت. به عبارت دیگر تعارض و تناقض آشکار بین مقررات فعلی و مقررات عرفی و اسناد بین المللی وجود دارد. در حالیکه مقررات عرفی و اسناد بین المللی، هیچ تعارضی با مقررات شرعی نداشته و به جای آن که قانونگذار بعد از انقلاب، گام های اساسی جهت پیشرفت به جلو

داشته باشد. متأسفانه گام هایی به عقب برداشته و در این راستا مشکلاتی را به اطفال ونوجوانان، خانواده آنان، تشکیلات قضایی و علی الخصوص به وجود آورده است (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸)

بند اول: قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ش

بعد از انقلاب اسلامی وبا توجه به طرز تفکر قانونگذار مبنی بر اینکه قوانین جزایی، بایستی منبعث از قواعد شرعی باشد، به مرور زمان قوانین عرفی تغییر می یابد. و در باب مسئولیت کیفری اطفال قانونگذار در فصل هشتم از قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۰۷/۲۱ ودر ماده ۲۶ چنین بیان می دارد:

«اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- چنانچه غیربالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب بشود، عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است واداء آن به عهده ولی طفل می باشد.

تبصره ۳- در جرائم مهمه هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد»

با توجه به ماده یاد شده، قانونگذار اطفال را مبری از مسئولیت کیفری دانستند؛ بدون آنکه سنی را به عنوان ملاک طفل بودن در نظر بگیرد و آن را مشروط به حد بلوغ شرعی دانسته است. هر چند که حد بلوغ شرعی در مقررات جزایی بیان نشده بود، رویه معمول محاکم در نظر گرفتن سن ۹سال تمام قمری برای دختر و ۱۵سال تمام قمری برای پسر بوده و براین اساس هرگاه دختر ۹ و پسر ۱۵ سال تمام قمری مرتکب جرمی می شدند؛ همانند سایر افراد دارای مسئولیت کیفری به مجازات مقرر در قانون می رسیدند. هرچند با توجه به عدم تعیین سن بلوغ شرعی در مقررات جزایی، این استدلال قابل دفاع بود که محکمه می تواند جهت احراز بلوغ شرعی طفل را به متخصصین امر معرفی نماید وبدون در نظر گرفتن سن مشخص و با توجه به امر تکوینی آن، اگر مرتکب بالغ تشخیص داده می شد؛ مجازات والا مسئولیتی نداشت ولی متأسفانه این رویه به ندرت در محاکم اتفاق می افتاد (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱)

از طرفی در خصوص «حد بلوغ شرعی» هم بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود داشت. در تاریخ ۶۱/۱۰/۸ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی بصورت آزمایشی اصلاح شد و اماره رشد ۱۸سال از آن حذف سن بلوغ جایگزین آن گردید. بموجب تبصره ۱ الحاقی به این ماده سن بلوغ پسران ۱۵سال تمام قمری و دختران ۹سال تمام قمری مقرر شد. رویه قضایی از تعمیم تبصره به ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی و نسبت به آن ابهام داشت. لذا در این زمینه از شورای عالی قضایی استفساره به عمل آمد که نظریه تفسیری این شور، سن بلوغ یاد شده را شامل سن مسئولیت کیفری هم دانست. (کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۲)

همانطور که ملاحظه می شود با تصویب این ماده نه تنها پیشرفتی در خصوص حقوق کودکان حاصل نشد بلکه تمام درجه بندی های پیش گفته در قوانین قبلی و حتی فقه نیز منسوخ اعلام شد و مهر ابطالی زده شد به قوانین پیشین که نه تنها در زمان خود بلکه در عصر حاضر نیز از قوانین بسیاری از کشورها پیشرفته تر به حساب می آمدند (میرمحمد صادقی، محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵)

بند دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۸ قانون جدید مجازات اسلامی به تصویب رسید که در باب چهارم و در ماده ۴۹ آن چنین آمده است: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد» لذا ماده ۴۹ برخلاف قوانین پیش از انقلاب، که برای اطفال اعم از ممیز و غیرممیز زیر سن بلوغ مجازات در نظر نگرفته بود، برای افراد نابالغ که مرتکب جرم حدی می شوند مجازاتی که این مجازات از نوع مجازات های حدی نبوده و جنبه تایپ دارد در نظر گرفته است.

بدین ترتیب شخص صغیر که به موجب ماده ۴۹ «قانون مجازات اسلامی» مبری از مسئولیت کیفری است، در صورت ارتکاب جنایت علیه اشخاص قابل قصاص شدن نمی باشد. لیکن رد صورت ممیز بودن، امکان اعمال مجازات تعزیری در مورد وی وجود دارد.

در سایر مواد قانون مجازات اسلامی نیز گاهاً مجازات های خاصی برای مرتکبان نابالغ پیش بینی شده است، که از جمله می توان به مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ در مورد عمل لواط، که به موجب شلاق تا ۷۴ ضربه برای شخص نابالغ می شود، و ماده ۱۴۷ در مورد قذف، که باعث تادیب شخص نابالغ ممیز به نظر حاکم می شود، اشاره نمود.

در همین راستا، تبصره ۲ ماده ۴۹ به تنبیه بدنی اطفال بزهکار در صورت اقتضای مصلحت، اشاره کرده است. در مورد دیه نیز با توجه به اینکه جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است، به موجب ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی «چنانچه غیربالغ مرتکب قتل و ضرب و جرح شود عاقله ضامن است، لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و ادای آن مال از مال طفل به عهده ی ولی طفل می باشد»

این حکم که برای شمول آن تفاوتی بین صغیر ممیز و غیرممیز وجود ندارد، در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است که علاوه بر مواد سابق الاشعار، تبصره ماده ۳۰۶ و ماده ۲۲۱ نیز قابل ذکر می باشند. به موجب ماده ی اخیرالذکر «هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود، بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند»

بدیهی است بلوغ که مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است «در موقع ارتکاب منوط اعتبار است و نه در موقع رسیدگی» و یا در موقع وقوع نتیجه مجرمانه. بدین ترتیب، در جرایم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد. توجه به این نکته هم ضروری است که تعیین سن به نظر دادگاه است، که در صورت لزوم با جلب نظر متخصص انجام می گیرد.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که گاه صغیر بودن قربانی جرم در مسئولیت کیفری یا میزان مجازات مرتکب موثر است. برای مثال، قسمت اخیر ماده ۱۴۷ قذف کردن شخص نابالغ از سوی شخص بالغ و عاقل را موجب تعزیر مرتکب تا ۷۴ ضربه شلاق (به جای ۸۰ ضربه) دانسته است. همین طور از مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۳۴۶ می توان به مسئول بودن فردی که چیز لغزنده ای را در معبر میریزد و صغیر غیرممیزی حتی عمدا روی آن پا بگذارد حکم کرد. مطابق ماده مذکور «

هرگاه کسی چیز لغزنده ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذران گردد عهده دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ یا ممیز عمداً با اینکه می تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶)

بعد از این قانون، ایران در سال ۱۳۷۲ به پیمان نامه حقوق کودک پیوست و رویکردی مثبت را نسبت به حقوق کودک در نظر گرفت که مهم ترین اقدام در دادرسی مربوط به نوجوانان، تصویب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ است، که در مواد ۲۱۹-۲۳۱ این قانون یک سری مقررات راجع به دادگاه ویژه و شیوه رسیدگی به آنها پیش بینی شده است (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۴)

بعد از آن نیز در سال ۱۳۸۱ شورای عالی توسعه قضایی با همکاری یونیسیف، کمیسیون به منظور تدوین قانونی جامع ویژه اطفال تشکیل داد و لایحه رسیدگی به جرایم اطفال را که در فصل ۵ و ۵۵ ماده بود به دولت ارائه کرد (نادری، ۱۳۹۲، ص ۷۸)

بند سوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱ قانون مجازات اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هنگامی که قانونگذار سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می کند، به طور ضمنی این پیام را منتقل می کند که از دید وی، کودک در این سن به آن حد از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی رسیده است که بتواند مسئول رفتارهای خود پنداشته شود.

به این ترتیب روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی که انجام داده است را به طور کامل درک می کند و در نتیجه، این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این کار را به نحوی بسیط انجام داده و مقرر کرده بود که افراد تا قبل از رسیدن به سن بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری و پس از آن دارای مسئولیت کیفری کامل هستند. به این ترتیب با تبعیت از شیوه ی دفعی و یکباره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود.

توضیح آنکه، به طور کلی دو نوع نظام برای سن مسئولیت کیفری در کشورهای مختلف جهان وجود دارد:

در گونه نخست؛ مسئولیت کیفری به یکباره کامل می شود. به این ترتیب که فرد تا سن مشخصی که قانون مقرر می کند، کودک محسوب می شود و فاقد هر گونه مسئولیت کیفری است و به محض گذر از آن سن بزرگسال محسوب می شود و مسئولیت کیفری کامل پیدا می کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ از چنین نظامی تبعیت کرده بود زیرا اطفال تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری بودند و پس از آن مسئولیت کیفری کامل پیدا می کردند و در این مورد تفاوتی بین مجازات های تعزیری و غیر آنها وجود نداشت.

گونه دیگر آن است که مسئولیت کیفری به تدریج کامل می شود به این ترتیب که تا یک سن مشخص، فرد مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری است و هیچ گونه واکنش کیفری در مقابل جرم ارتكابی وی نشان داده نمی شود. سپس وارد دوران مسئولیت کیفری تخفیف یافته می شود. به این معنا که در مقابل جرایم ارتكابی توسط وی، واکنش کیفری خفیف تری در مقایسه با بزرگسالان مرتکب جرم مشابه نشان داده می شود. با گذر از این مرحله نیز فرد وارد دوران مسئولیت کیفری کامل می شود،

یعنی بزرگسال تلقی شده و واکنش کیفری نسبت به وی نیز همانند یک بزرگسال خواهد بود. نظام تدریجی، از این حیث که مسئولیت کیفری در آن همگام با افزایش قوه ادراک فرد تکامل می یابد، عادلانه تر است.

در نظام تدریجی دو مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری از یکدیگر تمایز می یابند. حداقل سن مسئولیت کیفری حداقل سنی است که از نظر عدالت کیفری، فرد این قابلیت را پیدا می کند که در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گیرد. اما این به هیچ وجه بدان معنا نیست که از همین سن می توان با او مانند بزهکاران بزرگسال برخورد کرد. در مقابل سن بلوغ کیفری آن سنی است که فرد با گذر از آن مسئولیت کیفری کامل پیدا می کند و به مثابه یک بزرگسال مجازات می شود (صبوری پور و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷)

تعیین سن بلوغ جنسی به عنوان مبنای سن مسئولیت کیفری علاوه بر اینکه در جامعه حقوقی داخل کشور مخالفت های فراوانی را برانگیخته بود (نوربها، ۱۳۹۱، ۱۶۸؛ رهامی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶)

زمینه ای را نیز برای انتقادات مراجع بین المللی ناظر بر رعایت حقوق کودکان فراهم کرده بود. به عنوان مثال می توان به بررسی های ادواری کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد ناظر بر اجرای کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد. این کمیته در بررسی سال ۲۰۰۰ خود در مورد وضعیت حقوق کودکان در ایران از جمله از این موضوع که سن بلوغ ملاک تعریف کودک قرار گرفته، اظهار نگرانی کرده و آن را باعث تبعیض میان دختر و پسر در باب مسئولیت کیفری دانسته بود (اظهار نظر کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد در مورد گزارش ایران، ۲۰۰۰، ص ۲۲) در بررسی سال ۲۰۰۵ خود نیز مجدداً از این موضوع اظهار نگرانی کرده و خواستار آن شده بود که تعریف کودک فارغ از تبعیض جنسیتی انجام شود و در پاراگراف ۷۲ گزارش خود صریحاً از پایین بودن حداقل سن مسئولیت کیفری در ایران اظهار نگرانی کرده بود (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹)

نخستین گام برای تغییر این وضعیت در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال برداشته شد که در آن نظام تدریجی مسئولیت کیفری اطفال به ترتیب پیش بینی شده بود:

الف) تا ۹ سال، معاف از مسئولیت کیفری

ب) ۹ تا ۱۲ سال، پاسخ های تربیتی، اصلاحی

ج) ۱۲ تا ۱۵ سال پاسخ های تربیتی، تنبیهی

د) ۱۵ تا ۱۸ سال پاسخ های تنبیهی تخفیف یافته (سواد کوهی فر، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲)

در ادامه به تفکیک دوره های زمانی که در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ارائه شده است اشاره خواهد شد.

الف: تفکیک دوره های زمانی در قانون مجازات ۱۳۹۲

سن مسئولیت کیفری در فصل دوم از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ بیان گردید. مطابق مواد یاد شده «افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند». «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است». «در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می شود» به بیانی دیگر با مطرح شدن لایحه مجازات اسلامی این مقررات با پاره ای تغییرات در این لایحه منعکس شد و در نهایت در قالب مواد ۸۸ تا ۹۵، فصل دهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را با عنوان «مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» تشکیل داد.

در این قانون، تغییری در اماره قانونی سن بلوغ داده نشده و طبق ماده ۱۴۷ سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. اما حداقل دو تغییر قابل توجه در این حوزه رخ داده است. نخست آنکه دو نظام متفاوت برای تعزیرات و سایر مجازات ها در نظر گرفته شده است و دیگر آنکه در حوزه جرایم تعزیری، براساس نوع جرم ارتكابی و گروه سنی مرتکبان، واکنش های متفاوتی در نظر گرفته شده است. در ادامه به تفکیک هایی که در قانون مجازات جدید برای سن مسئولیت کیفری در جرایم تعزیری از یک سو و جرایم حدی و قصاصی از سوی دیگر هست اشاره شده است.^۱

ب: جرایم تعزیری

در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اطفال، بدون آنکه تفاوتی از حیث جنسیت وجود داشته باشد، تابع نظام تدریجی شده و برای گروه های سنی مختلف اطفال، واکنش های متفاوتی در نظر گرفته شده است که در قسمت های بعد این گروه ها به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۱) گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر کرده است که اطفال ۹ تا ۱۵ ساله، در صورت ارتكاب جرایم تعزیری موضوع یکی از تصمیمات مندرج در بندهای «الف» تا «ث» آن ماده قرار می گیرند، اما از آنجا که طبق تبصره ۱ همین ماده، تصمیمات مذکور در بندهای «ت» و «ث» فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده سال قابل اجراء است تدابیر قابل اعمال در مورد گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال، منحصر به موارد مذکور در بندهای «الف» تا «پ» این ماده است.

از حیث ماهوی واکنش هایی که قانونگذار در مورد این گروه سنی پیش بینی کرده است، جنبه ترمیمی- تربیتی دارند (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص ۷۳) از لحاظ فنی نیز مفهوم این ماده آن است که کودکی که کمتر از ۹ سال سن دارد، نمی تواند موضوع هیچ گونه تصمیمی در نظام عدالت کیفری، حتی تصمیمات اصلاحی و مراقبتی، قرار گیرد. به بیان دیگر، این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. از این حیث موضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ متفاوت از قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) است زیرا طبق ماده ۴۹ آن قانون اطفال مبرا از مسئولیت کیفری بودند اما تربیت آنها «با نظر دادگاه» برعهده سرپرست اطفال و «عندالاقضا قانون اصلاح و تربیت اطفال» بود.

به این ترتیب در قانون مجازات مصوب سال ۱۳۷۰ هیچ گونه حداقل سنی برای حضور در دادگاه کیفری در نظر گرفته نشده بود. علاوه بر این امکان تنبیه بدنی اطفال بزهکار نیز بدون در نظر گرفتن میزان سن آنها، پیش بینی شده بود مطابق تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مذکور هرگاه برای تربیت طفل، تنبیه بدنی وی ضرورت پیدا می کرد، این امکان برای دادگاه پیش بینی شده بود. اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اطفال کمتر از ۹ سال هیچ گونه واکنشی، حتی اصلاحی و تربیتی پیش بینی نشده و این بدان معنا است که این اطفال قابل محاکمه کیفری نیستند. طبعاً جواز قانونی تنبیه بدنی آنها نیز منفی گردیده است.

^۱ ارتكاب جرایم مستوجب دیه: قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تغییر قابل ذکری در مسئولیت ناشی از ارتكاب جرایم مستوجب دیه توسط اطفال به وجود نیآورده است. از این رو طرح تفصیلی مطالب مربوط به آن در این مقاله اجتناب می شود.

توضیح آنکه به موجب بند «ب» ماده ۲۹۲، جنایات ارتكابی توسط اطفال، همانند گذشته از مصادیق جنایات خطای محض محسوب می شوند و مسئولیت پرداخت دیه این جنایات نیز طبق مواد فصل چهارم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی (مواد ۶۴۲ به بعد) اصولاً برعهده عاقله است.

۲) گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال

در مورد گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، قانونگذار سخت گیری بیشتری نشان داده و این امکان را فراهم کرده است که علاوه بر واکنش های اصلاحی مورد اشاره در بند قبل، برخی تدابیر تادیبی - تنبیهی نیز در مورد آنها اعمال شود. طبق تبصره ۱ ماده ۸۸، کودک یا نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله ای که مرتکب جرم تعزیری شود، ممکن است علاوه بر تدابیر مذکور در بند قبل، مشمول واکنش پیش بینی مذکور در بندهای «ت» و «ث» این ماده نیز قرار گیرند. به ویژه واکنش مذکور در بند «ث» که عبارت از نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سه ماه تا یک سال است، دارای جنبه تنبیهی قوی است.

قسمت ذیل این تبصره، سخت گیری نسبت به این گروه سنی را بیشتر کرده و مقرر نموده که اگر این اطفال و نوجوانان مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شوند، الزاماً باید برای مدت ۳ ماه تا ۱ سال به کانون اصلاح و تربیت اعزام شوند و قاضی نمی تواند برای آنها واکنش دیگری از قبیل تسلیم به اشخاص واجد صلاحیت یا اخطار و تذکر و اخذ تعهد به عدم تکرار جرم در نظر بگیرد.

قانونگذار در ماده ۸۸ از تعبیر «اطفال و نوجوانان» بین سنین ۹ تا ۱۵ سال استفاده کرده است. این در حالی است که تا پیش از تصویب نهایی این قانون و در لایحه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی در این ماده صرفاً از لفظ «اطفال» استفاده شده بود. به این ترتیب، در لایحه پیشنهادی ماده ۸۸ عملاً منحصر به پسران می شد زیرا دختری که بین سنین ۹ تا ۱۵ سال باشد، از اماره بلوغ مذکور در ماده ۱۴۷ گذر کرده و جزء اطفال محسوب نمی شود. اما ماده ۸۸ مصوب مجلس، با استفاده از تعبیر گسترده تر «اطفال و نوجوانان» شامل دختران و پسران، هر دو می شود. با توجه به این مراتب دختری که سن بلوغ را پشت سر گذاشته و طبق نظر مشهور فقهای امامیه، مسئولیت کیفری کامل پیدا کرده است، تا زمانی که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده است، در صورت ارتکاب جرم تعزیری با واکنش تخفیف یافته ای مشابه همتایان مذکر خود مواجه می شود. این تغییر مهم، بخشی از ایرادات وارد بر قوانین سابق از حیث تبعیض بین دختر و پسران در باب مسئولیت کیفری را برطرف ساخته است (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹)

۳) گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال

پس از گذر از سن ۱۵ سال، تا رسیدن به سن ۱۸ سال، دختران و پسرانی که مرتکب جرم تعزیری شوند، مشمول ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هستند. در این ماده مقرر شده است که مجرمان این رده سنی، بسته به نوع جرم، به یکی از مجازات های مذکور در آن ماده محکوم می شوند که شدیدترین آنها پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و خفیف ترین آنها نیز پرداخت جزای نقدی است.

این گروه سنی یعنی نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال، افرادی هستند که در برزخ حاصل از تفاوت تعریف کودک در قوانین داخلی و اسناد بین المللی قرار دارند از منظر اسناد بین المللی، که مهم ترین آنها کنوانسیون حقوق کودک می باشد، کودک کسی است که سن وی کمتر از هیجده سال است. اما از منظر قوانین داخلی ایران بالاترین سنی که می توان یک فرد را کودک نامید، پانزده سال تمام قمری است که آن هم مختص اطفال ذکور است.

۲. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجراء در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود»

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مقررات خاصی برای این گروه سنی (۱۵ تا ۱۸ سال) وجود نداشت و این افراد مسئولیت کیفری کامل داشتند. اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضمانت اجراهای خاصی را برای این گروه سنی پیش بینی کرده و آنها را تابع نظامی متفاوت از بزرگسالان (افراد بالای سن ۱۸ سال) قرار داده است. اگرچه قانونگذار سن مسئولیت کیفری را صراحتاً افزایش نداده اما با پیش بینی نظام تدریجی مسئولیت کیفری، دامنه حمایت های اصلاحی و تربیتی خود را توسعه داده و این حمایت ها را تا حد شمول بر افراد کمتر از سن ۱۸ سال، که با هیچ قرائنی از منابع فقهی نمی توان آنها را کودک نامید، گسترده ساخته است. دقت در شیوه برابر گزینی مجازات های تعزیری برای افراد بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این واقعیت را بهتر نشان می دهد. به عنوان مثال در بند «الف» ماده ۸۹ مقرر شده است که نوجوان مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا سه، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت دو تا پنج سال محکوم شود. به این ترتیب نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال، جایگزین تعزیرات درجه ۱ تا ۳ شده است. کمترین میزان حبس تعزیری درجه ۳، ده سال و بیشترین میزان حبس تعزیری درجه ۱ نیز حبس ابد است. در نتیجه قانونگذار برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، نگهداری در کانون برای مدت ۲ تا ۵ سال را جایگزین حبس بیش از ۱۰ سال تا حبس ابد کرده است که این خود نشان دهنده روی گردانی مقنن از رویکرد مجازات گرا و سزادهنده و توجه او به رویکرد اصلاحی و بازپرورانه در مورد این گروه سنی دارد.

نتیجه گیری:

از مباحث طرح شده نتایج ذیل به دست آمد:

نه در قرآن کریم و نه در سنت، معیار دقیقی از سن مسئولیت کیفری، تعیین و معین نگردید. در قرآن کریم، فقط به معیارهایی چون «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» اشاره شده است. در سنت، معیار بلوغ، احتلام و حیض است و سن، یا سن های معین اعلامی، فقط به عنوان طریقت، بر معیار فوق می باشد.

آنچه در صدر اسلام به عنوان بلوغ شرعی در دختران و پسران بیان گردیده، به نظر می رسد سنی بوده که در تناسب با زمان و مکان خاص خودش بیانگر توانایی جسمی، عقلی و جنسی افراد بوده است. در حالیکه در عصر حاضر و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی جامعه ی فعلی نمی توان یقین حاصل کرد که دختران ۹ ساله و پسران ۱۵ ساله از همه نظر بالغ بوده و می توان آنها را از لحاظ کیفری مسئول شناخت.

طبق مبانی نظری شرح داده شده در خصوص سن مسئولیت کیفری در جرایمی چون زنا، لواط، سرقت و قتل روایت های متعددی از معصومان نقل شده است که در واقع مبانی نظری سن مسئولیت کیفری هستند نتیجه حاصل از تمامی آنها به عنوان قول صحیح و مقبول آن است که مناط و ملاک اجرای حدود، تکلیف است و انسان مکلف هم مسئولیت کیفری دارد. بنابر این در صورتی که پسر و دختر غیر بالغ مرتکب زنا یا قتل شوند حد بر آنها جاری نمیگردد.

روایت هایی که بر خلاف این نظریه هستند یا از نظر سند دارای اشکال است و یا باید به توجیه آنها پرداخته شود بویژه با عنایت به این مطلب که فلسفه مجازات ها انتقام جویی نیست بلکه اصلاح جامعه و حفظ نظام اجتماعی است لذا حد و تعزیر را نباید با هم مخلوط کرد.

در نظام های حقوقی مختلف با توجه به عوامل محیطی، اجتماعی و روانی سن خاصی به عنوان سن مسئولیت کیفری ملاک قرار داده می شود تا برخوردی متفاوت نسبت به مجرمین بزرگ سال با اطفال صورت گیرد. به همین جهت یکی از مهم ترین

مسائلی که در نظام حقوقی ایران پیرامون آن بسیار بحث شده، تعیین سن مسئولیت کیفری است که همواره محل اختلاف بسیاری بین حقوقدانان و فقها بوده است. اما جدا از تمام نظرات مطروح، قانونگذار، چه در قانون مدنی و چه در قانون مجازات اسلامی، از نظر مشهور فقها پیروی کرده و سن بلوغ را ۹ و ۱۵ سال قمری برای دختران و پسران در نظر گرفته و همین سن را به عنوان ملاکی برای بار کردن آثار حقوقی و کیفری بر آنان تعیین نموده است. به عبارت دیگر با توجه به حاکمیت و قواعد شرعی، بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی، سن بلوغ شرعی مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری برای اطفال تعیین شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران می باشد که مبنای آن نیز حد بلوغ شرعی براساس نظر مشهور فقهای امامیه است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ قانونگذار در باب چهارم با عنوان حدود مسئولیت جزائی با اختصاص دو ماده کلی تکلیف سن مسئولیت کیفری و مجازات های قابل اعمال بر اطفال را، معین کرده بود.

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق، بیان می داشت:

«اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت می باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد» طبق این ماده تا زمانی که اطفال به «حد» بلوغ شرعی نرسیده باشند مبری از مسئولیت کیفری خواهند بود. گرچه در نگاه نخست به ماده فوق، تفکیکی بین دختر و پسر بودن (جنسیت) مرتکب نمی بینیم. اما با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی «سن بلوغ در پسر پانزده سال و در دختر نه سال قمری است»

هرچند برخی خواسته اند با توجه به قید «حد بلوغ شرعی» و عدم ذکر «سن بلوغ شرعی» ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق را این گونه تفسیر کنند که منظور مقنن سن نه و پانزده سال نبوده و می خواسته با توجه به متغیر بودن سن بلوغ، سن مشخصی را از پیش تعیین نماید اما این تفسیر با توجه به مبنای قانونگذاری و تفسیر منطقی از مواد قانون، قابل پذیرش نخواهد بود و منظور مقنن در اینجا قطعاً همان سن بلوغ مشهور فقهاست.

ذیل ماده مقنن از عبارت «تربیت» و نه مجازات استفاده کرده بود؛ اشخاص دارای حق تربیت نیز محدود شده بودند به سرپرست اطفال و همچنین کانون اصلاح و تربیت، از طرفی در تبصره ۲ تنبیه بدنی را هم در جهت تربیت طفل قابل اعمال دانسته بود و مقدار آن را به «میزان» و «مصلحت» واگذار نموده بود، بی آنکه کیفیت و نحوه ی آن را به تفصیل توضیح دهد.

ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی سابق، نیز اختصاص به جنایات و اتلاف مال توسط اشخاص غیربالغ داشت و این گونه بیان می داشت: «چنانچه غیربالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است؛ لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولی طفل می باشد»

در واقع این دو ماده همه ی آن چیزی است که مقنن در کلیات قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ به سن مسئولیت کیفری اختصاص داده بود؛ بی آنکه در صدد تقلیل و تشریح عبارت کلی مواد برآید، سن بلوغ شرعی را معادل سن مسئولیت کیفری گرفته بود.

در کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، مقنن از ذکر عبارت کلی اجتناب نموده و سعی کرده است به تفصیل به مجازات های قابل اعمال در مورد اطفال بپردازد. گرچه همچنان بر موضع پیشین خود پیرامون سن بلوغ پافشاری نموده و در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ذیل فصل «موانع مسئولیت کیفری» بیان داشته:

«سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال قمری است»

قانونگذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تغییرات مهمی در این حوزه نمود. نخست، در جرایم تعزیری بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد.

در کل وبا توجه به مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی می توان گام های برداشته شده در قانون جدید مجازات اسلامی را مثبت ارزیابی کرد؛ خلاصه از این جهت که مقنن به درستی متوجه تناسب سن و میزان مجازات شده است و در همین راستا نظام مجازات های مختلفی را هم مشخص کرده است؛ اما این نکته که همچنان پایبند به سن بلوغ شده و بین جنسیت، تفکیک قائل شده و دامنه شمول آنرا از عبادت به حدود مسئولیت کیفری کشیده است، از موارد قابل نقد قانون مجازات اسلامی است.

قانونگذار ایران به جای تعیین «سن رشد کیفری» فقط به سن بلوغ اکتفاء کرده است. با توجه به اینکه رسیدن به بلوغ، بستگی کامل به شرایط وراثتی و محیطی و مصادیقی از این قبیل دارد، در نتیجه رسیدن به بلوغ به منزله رسیدن به رشد کیفری نیست و بایستی، سن مشخصی برای رشد کیفری تعیین و معین گردد، تا کودکان بی گناهی که از لحاظ قانونی به سن بلوغ رسیده، ولی از رشد کیفری برخوردار نیستند؛ بی جهت مورد تعقیب و عقوبت قرار نگیرند.

این در حالی است که در سطح بین المللی تلاش های قابل توجهی در چند دهه اخیر در جهت تاثیر گذاری بر سیستم های حقوق ملی در زمینه بالابردن حداقل سن مسئولیت کیفری مبتنی بر اسناد و قوانین بین المللی موجود در این زمینه شکل گرفته است.

در روندهای چند دهه اخیر تحولات حقوق کودکان و دادگاه های اطفال در عرصه بین المللی، توجه به مسئله سن و معیار قراردادن سن در مجازات افراد و کودکان موضوعی مهم و یک روند مورد تاکید حقوقی در سیستم های سیاسی حقوقی مختلف بوده است. روند بین المللی در حال ظهور در این زمینه به صورت خلاصه، حکایت از لزوم توجه بیشتر به افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و توجه به کیفیت دادگاه های ویژه اطفال (بین ۱۳ تا ۱۸ سال) و تعیین ۱۸ سالگی به عنوان سن بزرگ سالی دارد.

نتیجه تحولات بین المللی در چند قرن اخیر در عرصه سیستم های مختلف حقوقی، مشخص شدن یک سن معین وقانونی به عنوان «حداقل سن مسئولیت کیفری» و همچنین «سن بزرگسالی» است با وجود اینکه «سن بزرگسالی» در غالب کشورهای جهان سن ۱۸ سالگی است، ولی مبنای «حداقل سن مسئولیت کیفری» در کشورهای مختلف جهان در حال حاضر دارای تشتت قابل توجهی است. البته یک روند در حال شکل گیری در این زمینه حاکی از تلاش افکار عمومی جهانی در جهت بالابردن حداکثری شروع سن مسئولیت کیفری نسبی است. این روند مبتنی بر نیازها و استدلالات مختلف روانشناسی رشد و علوم شناختی، عرف و سنت و ملزومات قوانین و مقررات جهانی در این زمینه می باشد. در ادبیات موجود در حال ظهور، توجه و تمرکز ویژه ای بر موضوع روانشناسی رشد در این زمینه شده است. در مجموع در اکثر کشورهای جهان، تلاش افکار عمومی و حقوقدانان در جهت افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و همچنین تعیین ۱۸ سالگی به عنوان سن «بزرگسالی» می باشد.

نویسنده در این مقاله به دنبال پاسخ به سه سوال ذیل بوده است:

۱- سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی بر چه مبنایی است؟

۲- ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه (شروع) تحمل مجازات و مسئولیت کیفری برای افراد چیست؟

۳- آیا سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری یکی است؟

در خصوص اثبات یا رد فرضیات در قسمت پایین اشاره شده است:

فرضیه اول: با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی، سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری است.

در بحث فرضیه فوق می توان بیان کرد؛ فرضیه اولی که این نوشته در مقام اثبات و مقبولیت آن می باشد، این نکته است که سن مسئولیت کیفری یکی از مهم ترین موضوعات راجع به حقوق اطفال است، چرا که با تعیین این محدوده ی سنی کلیه افراد مشمول آنرا واجد مسئولیت و به تبع آن مستحق مجازات می شناسیم. که محدوده سنی مسئولیت کیفری با توجه به حاکمیت مقررات وقواعد شرعی، بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری برای اطفال تعیین شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران می باشد که مبنای آن نیز حد بلوغ شرعی براساس نظر مشهور فقهای امامیه است که به طور کلی با قوانین قبل از انقلاب اسلامی متفاوت است.

فرضیه دوم: مقطع سنی ثابت ۹ و ۱۵ سال برای بلوغ اجتماعی و کیفری صحیح به نظر نمی رسد. این سن مقطعی خواهد بود که اجتماع، فرد را در آن سن نه صرفاً یک نوجوان، بلکه یک فرد بالغ، آگاه و مسئول می شناسد.

در بحث فرضیه فوق می توان بیان کرد: فرضیه دومی که این نوشته در مقام اثبات و مقبولیت آن می باشد، این است که برای تعیین ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه محل مجازات و مسئولیت کیفری برای افراد، قبل از هر چیز باید تعیین نماییم که چه ویژگی و خصوصیتی در انسان پدیدار می شود که به عنوان فردی بالغ، قابل بازخواست و ملزم به پاسخ گویی می گردد و مالا در صورت ارتکاب اعمال خلاف قوانین ومقررات، از یک سو مستوجب تحمل مجازات بوده واز سوی دیگر می توان با توجه به شرایط موجود در وی به طور معقول و متعارف انتظار داشت که اعمال مجازات در وی تاثیر گذار بوده و منجر به اصلاح فرد خواهد شد.

سوال این است که در یک زمان معین (فرضاً سن بلوغ کیفری) چه اتفاقی رخ می دهد که دیدگاه جامعه نسبت به فرد تغییر کرده و آثار و پیامدهای کیفری را متوجه شخص می کند. ضرورت بررسی این امر به عنوان پایه و مبنایی خواهد بود که با توسل به آن می توان به تعیین سن مقتضی در افراد یک جامعه به عنوان سن آغاز مسئولیت کیفری مبادرت ورزید. به بیانی بهتر فرضیه دوم این است که تعیین سن خاص برای بلوغ یا رشد به عنوان مبنای آغاز مسئولیت کیفری قابل دفاع نیست، زیرا مولفه های مختلفی در تکوین وتکامل شناخت. اراده واختیار انسان در دوره های مختلف، به ویژه در دوران نوجوانی دخالت دارند. از این رو مقطع سنی ثابت ۹ و ۱۵ سال برای بلوغ کیفری (سن رشد کیفری) صحیح به نظر نمی رسد وامکان مبنای قرار دادن سن دیگری برمبنای عرف برای بلوغ قانونی و عرفی از سوی قانونگذار، با توجه به شرایط و مقتضیات اجتماعی، جغرافیایی و موقعیت زمانی لازم و ضروری به نظر می رسد. که این سن ترجیحاً مقطعی خواهد بود که اجتماع فرد را در آن سن نه صرفاً یک نوجوان، بلکه یک فرد بالغ آگاه و مسئول می شناسد.

به نظر نگارنده اگر تعیین سن مشخصی در قانون برای روشن ساختن تکلیف ضروری است، بهتر است این سن از ۹ و ۱۵ سال به ۱۸ سال هم در دختران و هم در پسران ارتقا پیدا کند. همانگونه که در برخی از قوانین مثل قانون راهنمایی و رانندگی، قانون صدور گواهینامه و همچنین قانون نظام وظیفه ی عمومی، سن ۱۸ سال به عنوان معیار عمل و پایان کودکی قلمداد شده است.

نگارنده برای محکم شدن و به عبارتی برای مستند و مستدل کردن نظریه خود مطالب ذیل را مطرح می کند:

۱- همانطور که ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز افراد زیر ۱۸ سال را کودک محسوب کرده و مطابق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (مصوب اول اسفند ماه ۱۳۷۲) ایران نیز می تواند از مفاد این کنوانسیون استفاده کرده و همین سن را در قوانین داخلی ملاک قرار دهد.

۲- لازم به ذکر است که تعیین سن خاص برای مسئولیت کیفری در کشور ما نیز همواره دستخوش تغییر و تحول بوده و حتی در برهه ای از ادوار قانونگذاری طبقه بندی هایی در رابطه با اطفال زیر ۱۸ سال صورت گرفته است که این خود نشانگر دقت عمل قانونگذاران ایرانی می باشد. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که با توجه به اینکه همسان سازی قوانین به ویژه قوانین و مقررات شکلی با مسائل و تحولات عصر جدید هیچ گونه خللی به شرع مقدس اسلام وارد نمی سازد لذا اقدامات قانونگذار در عصر جدید که خود وجهه ی جرم شناختی داشته و مناسب با وضعیت اطفال بزهکار امروز می باشد حاکی از پویایی قوانین کشور اسلامی است.

۳- نهایتاً اگر سن ۱۸ سال از نظر قانونگذار اماره ی رشد محسوب گردد، فرد قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال هم می توان به دادگاه مراجعه کرده و حکم رشد برای خود بگیرد. ضمن اینکه قضات هم در صورتی که رشد و کمال عقلانی و جسمانی را در فرد محرز دیدند ولو اینکه وی به سن ۱۸ سال نرسیده باشد می توانند او را واجد مسئولیت کیفری و در نتیجه محکوم به مجازات شناسایی کنند. به عبارت دیگر می توان به دلیل رشید شدن فرد در سن ۱۸ سالگی سن مسئولیت کیفری را در قوانین کیفری ۱۸ سال تمام دانست مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. لذا با وجود عبارت دوم امکان مجازات افراد بین ۹ تا ۱۸ سال (در دختران) و ۱۵ تا ۱۸ سال (در پسران) که رشد آنها با تشخیص نظر کارشناس و پزشکی قانونی ثابت شده است فراهم می گردد و امکان گریز از چنگال قانون برای این افراد به وجود نمی آید همانطور که در تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بیان شده است:

«دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعمال یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند»

فرضیه سوم: هیچ گاه سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری یکی نیست. چرا که امکان دارد فردی به سن بلوغ رسیده باشد بدون آنکه درکی از مفاهیم کیفری داشته باشد و به عبارت دیگر (بدون آنکه به سن مسئولیت کیفری رسیده باشد) و یا برعکس، به سن مسئولیت کیفری رسیده باشد، بدون آنکه هنوز بالغ نشده باشد.

در بحث فرضیه فوق می توان بیان کرد؛ فرضیه سومی که این نوشته در مقام اثبات و مقبولیت آن می باشد، این است که با توجه به مطالبی که در بخش های مختلف بیان گردید؛ به این واقعیت دست یافته شد که سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری یکی نیست و این مهم با توجه به تعریفی که از بلوغ به عمل آمد و شرایط فیزیکی و جسمانی که برای رسیدن به بلوغ لازم است؛ احراز می گردد و برای تعیین سن مسئولیت کیفری بایستی بلوغ اجتماعی (بلوغ کیفری) مد نظر قرار گیرد؛ کما اینکه ممکن است فردی به بلوغ جنسی رسیده باشد ولی نشانه ای از بلوغ اجتماعی (بلوغ کیفری) در وی وجود ندارد و یا برعکس

فردی باشد که از بلوغ اجتماعی (بلوغ کیفری) برخوردار است بدون آنکه به بلوغ جنسی رسیده باشد همچنین به این واقعیت دست یافته شد که سن بلوغ در کلیه جوامع یکسان نیست چرا که برای رسیدن به بلوغ شرایط جسمانی، محیط آب و هوا و... نقش بسیار بااهمیتی دارند و به همین خاطر است که نمی توان سنی را در نظر گرفت و بیان داشت: به طور حتم در این سن افراد به بلوغ می رسند.

پیشنهادهات

پیشنهادهاتی که می توان مطرح نمود عبارت اند از:

۱- سن بلوغ کیفری یعنی سنی که فرد مسئولیت پذیری کامل پیدا می کند، در حدود و قصاص کمتر از دیات است زیرا در تعزیرات، تا پایان سن ۱۸ سالگی مسئولیت کیفری فرد کامل نمی شود اما در حدود و قصاص کمتر از تعزیرات است زیرا در تعزیرات تا پایان سن ۱۸ سالگی مسئولیت کیفری فرد کامل نمی شود اما در حدود و قصاص، دختر بعد از سن ۹ سالگی و پسر بعد از ۱۵ سال تمام قمری، مسئولیت کیفری کامل پیدا میکند. این ناهماهنگی محل ایراد است. حتی میتوان ادعا کرد که فرض مطلوب عکس این است. یعنی مناسب تر آن است که سن بلوغ کیفری در حدود و قصاص، بالاتر از جرایم تعزیری باشد. زیرا جرایم مستوجب حد و قصاص، در مقایسه با جرایم تعزیری، اولاً مستلزم مجازات های شدیدتر و سخت گیرانه تری هستند و تبعات شدیدتری برای فرد محکوم به دنبال دارد. از سوی دیگر عملکرد سنجیده در اعمال واکنش کیفری ایجاب میکند که میزان شدت عمل در برابر جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان، همسو به افزایش سن و میزان ادراک و مسئولیت پذیری آنها افزایش یابد. به تدریج که سن کودک افزایش می یابد، واکنش اجتماعی نسبت به وی نیز می تواند سخت گیرانه تر گردد و در کنار جنبه تعلیمی و اصلاحی صرف، بعد سرزنش آمیز و ارعایی به خود گیرد.

۲- با توجه به مطالب بیان شده و نظر به اینکه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گام های موثر و درخور توجهی برداشته و در عمل مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ در تعارض آشکار با مواد ۸۸ و ۸۹ می باشد پیشنهاد می شود مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ حذف گردد تا کلیه جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بر اساس مقررات فصل دهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» (مواد ۸۸ تا ۹۵) اعمال گردد.

۳- با توجه به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که یکی از عناصر مسئولیت کیفری را بلوغ در حین ارتكاب جرم می داند^۳، حذف مواد ۱۴۶-۱۴۷ نه تنها خللی به قانون وارد نمی سازد، بلکه آن را دارای قابلیت بیشتری برای تفاسیر منصفانه از قانون می سازد؛ زیرا در این ماده در کنار بلوغ، مواردی چون عقل و اختیار را برای تحقق مسئولیت کیفری لازم دانسته است و از آنجا که غالب دختران در سیزده سالگی به بلوغ و رشد می رسند و این بلوغ همراه با بلوغ عقلی است، مشکل تعقیب و مجازات دختران در سنین بسیار پایین رفع می شود. ضمن اینکه می توان با تغییر لفظ عقل به رشد عقلی، یا اضافه نمودن کلمه «قوه تمیز» به این ماده یا افزودن تبصره ای جهت تبیین مفهوم عقل، وضعیتی را ایجاد نمود که برای احراز مسئولیت کیفری وجود بلوغ جسمی و رشد عقلی توأمان لازم شود.

۴- ارتباط بلوغ جنسی و رشد عقلی و تفکیک بلوغ جنسی از رشد کیفری باید مورد توجه قانون گذار قرار گیرد. همان طور که این روش در امور مدنی مورد توجه قرار گرفته و مقررات ایران بین اهلیت مدنی در امور مالی با بلوغ جنسی تفکیک قائل شده است.

^۳ ماده ۱۴۰: «مسئولیت کیفری... تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتكاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد...»

۵- از جهت لفظی پیشنهاد می شود به جهت تشتت لفظی در قوانین کیفری ایران، واژه طفل یا کودک برای افراد زیر ۹ سال که مبری از مسئولیت کیفری هستند و واژه نوجوانان برای افراد بین ۹-۱۸ سال استفاده شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

الف- کتاب ها

-فارسی

- اصغری، عبدالرضا (۱۳۸۷). «سن مسئولیت کیفری در حقوق جزای اسلامی و حقوق موضوعه» چاپ اول، انصار: مشهد.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). «فرهنگ بزرگ سخن» ج ۱، سخن: تهران.
- امامی، حسن. (۱۳۵۶). «حقوق مدنی» ج ۱، کتابفروشی اسلامیة: تهران.
- احمدی، سیداحمد. (۱۳۶۹). «روانشناسی نوجوانان و جوانان» رودکی: تهران.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۱). «حقوق جزای عمومی» ج ۲، نشر میزان: تهران.
- اودانل، دان. (بی تا). «کتابچه تخصصی حمایت از کودک»، برای نمایندگان پارلمان ها، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) و اتحادیه بین المجالس.
- بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۵). «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره مندی از حقوق مربوطه»، همایش محیط حامی کودک.
- بیگی، جمال. (۱۳۸۶). «بزهکاری اطفال» میزان: تهران.
- توجهی، عبدالعی. (۱۳۸۴). «سن مسئولیت کیفری دختران»، کتاب بازپژوهشی حقوق زن» (ناصر قربان نیا و همکاران) انتشارات روز نو: تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۷). «ترمینولوژی حقوق»، کتابخانه گنج دانش: تهران.
- خالقی، علی. (۱۳۹۳). «نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری» انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش: تهران.
- خسرویور، یوسف. (۱۳۵۳). «روان شناسی بلوغ و نوجوانی» بی نا: تهران.
- ریس، لنفورد. (۱۳۶۴). «مختصر روان پزشکی». ترجمه گروهی از مترجمان، نشر دانشگاهی: تهران.
- روحانی، حسن وحسین مهرپور. (۱۳۹۱). «سن اهلیت و مسئولیت قانونی در فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» مرکز تحقیقات استراتژیک: تهران.
- زیمرن، مایکل جی، (بی تا). «مسئولیت»، ترجمه محمد تقی اسلامی، فلسفه اخلاق، مجموعه مقالات برگرفته از دارة المعارف فلسفه اخلاق، ویراسته لارنس سی بکر، مری بکر، ترجمه جمعی از مترجمان.

- زارعیان، محمد. (بی تا). «ملاحظات نهایی کمیته حقوق کودک در خصوص دومین گزارش ادواری جمهوری اسلامی ایران»، ترجمه غیررسمی وزارت امور خارجه.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲). «حقوق جزای عمومی ۱ و ۲»، انتشارات جنگل: تهران.
- دادبان، حسن. (۱۳۷۸). «تقریرات درسی حقوق جزای عمومی»، دانشگاه تهران.
- سعیدنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵) «مجموعه قوانین ومقررات اطفال و نوجوانان»، انتشارات حقوقی: تهران.
- ساوانی، اسماعیل. (۱۳۹۵). «حقوق جزای عمومی»، مشاهیر دادآفرین: تهران.
- سمیعی، حسین. (۱۳۴۸). «حقوق جزا» چاپ چهارم، شرکت مطبوعات: تهران.
- سیف، سوسن. (۱۳۷۳). «روان شناسی رشد» سمت: تهران.
- شهبازی، محمد حسین. (۱۳۹۲) «حقوق مدنی» موسسه فرزندگان.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۳). «بزهکاری اطفال و نوجوانان» ج ۱۲، انتشارات مجد: تهران.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۲). «حقوق جزای عمومی» انتشارات طرح نو: تهران.
- صفائی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷). «حقوق مدنی اشخاص و محجورین» سمت: تهران.
- عبادی، شیرین. (۱۳۸۶). «حقوق کودک:نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران» روشنگران و مطالعات زنان: تهران.
- عمید زنجانی، عباس علی. (۱۳۸۲). «موجبات ضمان» چاپ اول، نشر میزان: تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). «فرهنگ عمید» چاپ یازدهم، انتشارات جاویدان: تهران.
- فرانکنام، ویلیام کی. (۱۳۸۳). «فلسفه اخلاق» ترجمه هادی صادقی، کتاب طه: قم.
- قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۷۸). «مبانی مسئولیت مدنی» چاپ اول، نشر دادگستر: تهران.
- قانون عقوبات سوریه (۲۰۱۰).
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۶). «قواعد عمومی قراردادها» ج ۲، انتشارات بهنشر: تهران.
- کاظمی، سیدعلی. (۱۳۹۰). «گزارش چهارمین نشست تخصصی حقوق کودک - سن مسئولیت کیفری» معاونت حقوقی قوه قضائیه-دفتر تهران در یونیسف-معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری منطقه ۶.
- کرمانی، ابراهیم جعفر. (۱۳۵۷). «نوجوانی، بحشی درباره مسائل روانی و اجتماعی نوجوان» چهر: تهران.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). «بایسته های حقوق جزای عمومی» چاپ دوازدهم، میزان: تهران.